نگاهي به بزه‏کاري نوجوانان و جوانان

حسين كريميان 1

چكيده

افزايش روند بزه‏كاري در ابعاد گوناگون در ميان نوجوانان و جوانان، توجه كارشناسان رشته‏هاي علوم انساني را به خود جلب كرده است. در اين مقاله، علل پيدايش اين معضل اجتماعي و عواملي كه مي‏تواند زمينه‏ساز آن باشد، مورد بررسي قرار گرفته است. اگر خانواده به عنوان اولين محيطي كه فرد در آن نشو و نموّ مي‏يابد، مورد كنكاش قرار گيرد، عواملي از جمله اختلاف پدر و مادر، تبعيض بين فرزندان، كمبود محبت، عدم حضور پدر در خانه، بزه‏كاري يكي از اعضاي خانواده، نداشتن الگوي رفتاري مناسب، عدم درك فرزندان و غيره مي‏تواند نقش مؤثري در بزه‏كاري فرزندان داشته باشد. علاوه بر اين، عوامل ديگري همچون مسائل اقتصادي، فقدان تعليم و تربيت مناسب، اشتغال و عوامل مرتبط با آن، مثل بي‏كاري و نارضايتي شغلي و سرانجام ضعف اعتقادات مذهبي در اين زمينه مورد توجه قرار گرفته است. در نهايت، پيشنهادهايي براي پيش‏گيري از بزه‏كاري نوجوانان و جوانان ارائه شده است.

كليدواژه‏ها: بزه‏كاري، كجروي، بحران هويت، عزت نفس، نابهنجاري.

مقدّمه

فرايند شتابان صنعتي شدن كشورها، گسترش جوامع شهري و پيدايش حاشيه‏نشيني شهرها و در نتيجه، كم‏رنگ شدن فرهنگ عمومي و ملي و نيز روي‏آوري مردم به حاشيه‏نشيني در شهرها، به دليل وضعيت اسفبار معيشتي، از جمله معضلات بزرگ جوامع امروزي است. اين فرايند شتابان شهرنشيني و صنعتي شدن، جوامع مختلف را با معضلات و مشكلات عديده‏اي مواجه كرده است. پيدايش معضلات اجتماعي از جمله بزه‏كاري، انحرافات اجتماعي و اخلاقي از قبيل سرقت، قتل، تجاوز، اعتياد و...، كه سرانجام به بحران‏هاي اجتماعي تبديل مي‏شود، از جمله آسيب‏هايي است كه به دنبال فرايند صنعتي شدن گريبان‏گير جوامع شهري شده است. اين روند متأسفانه چنان شتابان است كه آثار و تبعات فراوان اجتماعي به دنبال دارد و موجب رشد و گسترش معضلات اجتماعي شده، به گونه‏اي كه اقدامات قضايي و پليسي در اين زمينه، چندان كارساز و مؤثر واقع نمي‏شود.

به دنبال فرايند مزبور، از جمله معضلات گريبان‏گير بسياري از كشورها و شهرهاي مختلف، وجود پديده‏اي به نام «بزه‏كاري نوجوانان و جوانان» مي‏باشد. اين پديده كه عمدتا ناشي از تعارض بين فرهنگ ملي، بومي و محلي، با فرهنگ صنعتي و جهاني و نيز برخي كاستي‏ها در مسائل تربيتي، خانوادگي، اخلاقي و... است، در نتيجه، بحران‏هاي هويت و عدم كارايي اقتصادي، بيكاري و... پديد مي‏آيد. اين‏گونه معضلات به حدي شايع و گسترده شده است كه امنيت جامعه را تهديد مي‏كند.

شناسايي علل و عوامل اين پديده ناميمون در ميان نوجوانان و جوانان، مبارزه با مفاسد اجتماعي و اقدامات تنبيهي و نيز اقدامات پيشگيرانه و آموزش‏هاي لازم به

خانواده‏ها، به ويژه در خصوص تعاليم وحياني و تربيت اسلامي، از جمله عوامل مهم برون‏رفت از بزه‏كاري و معضلات اجتماعي است. اين مقال، در حد وسع تلاش مي‏كند تا به اين موضوع بپردازد.

بزه‏كاري و اهميت آن در نوجوانان و جوانان

بزه‏كاري به شيوه‏هاي گوناگون تعريف شده است. به نظر مي‏رسد، كامل‏ترين تعريفي كه با توجه به نظريات كارشناسان رشته‏هاي مختلف ارائه شده، اين است كه بزه‏كاري، اقدام به عملي است كه برخلاف موازين، مقرّرات و قوانين جامعه بوده، انجام آن موجب پيگرد قانوني مي‏شود و كساني را كه مرتكب چنين اعمالي مي‏گردند، مجرم يا بزهكار مي‏گويند. 2

با وجود اينكه در دوره‏هاي مختلف زندگي انسان، همواره بزه‏كاري نوجوانان و جوانان جزئي از مسائل جوامع گوناگون بوده، ولي اين مسئله هيچ‏گاه در حد مسائل حاد اجتماعي و به صورت بحران درنيامده است. اما از قرن نوزدهم به بعد، افزايش بزه‏كاري نوجوانان و جوانان به ويژه ارتكاب جرايم توأم با خشونت و قساوت يكي از بزرگ‏ترين معضلات اجتماعي محسوب شده و افكار عمومي جهان را نيز نگران نموده است. در همين ارتباط، گزارش‏هاي سازمان ملل در دهه‏هاي اخير نشان مي‏دهد كه همواره بر ميزان جرايم در سطح جهان افزوده شده و روند افزايش بزه‏كاري بيش از ميزان رشد جمعيت است. از اين‏رو، يكي از مسائل پيچيده و در عين حال مهمي كه بسياري از جوامع را تهديد مي‏كند و توجه بسياري از جامعه‏شناسان، روان‏شناسان، جرم‏شناسان و متخصصان علوم تربيتي را به خود معطوف داشته، بزه‏كاري، به ويژه در نوجوانان و جوانان مي‏باشد.

پيامدهاي بزه‏كاري نوجوانان و جوانان، علاوه بر ضرر و زيان همه‏جانبه‏اي كه متوجه اين‏گونه افراد و جوامع مي‏شود، هدر رفتن سرمايه‏هاي ملي و تباهي نيروها و استعدادهاي جواناني است كه از مهم‏ترين سرمايه‏هاي هر كشور محسوب مي‏شوند. همچنين هزينه‏هاي هنگفتي همه ساله صرف جبران خسارات وارده بر كشور مي‏شود؛ از قبيل: دستگيري، پيگيري، نگه‏داري و بازپروري نوجوانان و جوانان. از همه دردناك‏تر اينكه، متأسفانه درمان بزه‏كاري نيز همواره كافي نبوده و شواهد موجود حاكي است كه بخش عظيمي از نوجوانان و جوانان بزهكار در بزرگ‏سالي نيز راهشان را ادامه مي‏دهند. با توجه به موارد مزبور و با اعتقاد به اين حقيقت كه پيش‏گيري به مراتب سهل‏تر و مؤثرتر از درمان است، بايد فرصت را غنيمت شمرد و بسترهاي پيدايش اين‏گونه معضلات را در جامعه از بين برد، و به بررسي علل و عوامل بزه‏كاري و راه‏هاي پيش‏گيري از آن پرداخت.

پيشينه بحث

در زمينه علل بزه‏كاري نوجوانان و جوانان، مطالعات و تحقيقات متعددي در دهه‏هاي اخير به وسيله محققان رشته‏هاي گوناگون علوم رفتاري صورت پذيرفته كه در اينجا به چند نمونه از آنها اشاره مي‏گردد:

اليوت (Elliot) و ووس (Voss) بر اساس مطالعه‏اي كه درباره دانش‏آموزان دبيرستاني انجام داده‏اند، اهميت احتمالي تأثير شكست تحصيلي را در به وجود آوردن بزه‏كاري نشان داده و اعلام كردند دانش‏آموزاني كه ترك تحصيل نموده‏اند، هم در پرسشنامه‏هاي خودسنجي نمرات بالايي را در بزه‏كاري به دست آوردند و هم برخوردهاي متعددي را با پليس داشتند؛ اما دانش آموزاني كه تمامي اوقات را در دبيرستان مي‏گذراندند، دو مسئله بالا را نداشتند. سرانجام دو محقق مذكور نتيجه گرفتند كه تركيبي از شكست تحصيلي و چگونگي واكنش دبيرستان به اين شكست، زمينه‏ساز رفتار بزهكارانه در نوجوانان و جوانان است. 3

وست (Vest) و فارينگتون (Farengton) نيز در تحقيقات خود به اين نتيجه رسيدند كه بزهكاران در آزمون‏هاي پيشرفت تحصيلي و هوش، به نسبت نمرات پايين‏تري مي‏آورند. 4

بونكر (Bonker) در تحقيق خود نشان داد كه در ايتاليا 88 درصد از محكوماني كه بازداشت شده بودند، جزو طبقه بينوايان بوده‏اند.

همچنين شاو (Shaw) در مطالعه مناطق جرم‏خيز شيكاگو مشاهده كرد كه همبستگي بين جوانان مجرم و وضع بد مالي خانواده، 74 درصد بوده است. اين تحقيقات نشان داده‏اند كه بين جرم و شرايط اقتصادي رابطه نزديكي وجود دارد. 5

هوير (hoir)، روان‏شناس معاصر و پزشك بيماري‏هاي رواني، پس از بررسي‏هاي آماري ده كشور اروپايي مدعي شده است 88 درصد كودكاني كه مرتكب گناه مي‏شوند از خانواده‏هاي گسسته‏اند. اين دانشمند با تحقيقات خود نشان مي‏دهد بين 80 تا 90 درصد كودكان منحرف يا مجرم، از خانواده‏هايي هستند كه وضعيتي مغشوش و نابسامان داشته و شيرازه آنها از هم گسسته شده است. 6

در ايران نيز تحقيقات بسياري صورت گرفته است. در سال 1358، دكتر محمّدصالح وليدي طي تحقيقي تحت عنوان «تحليلي از شرايط محيط طبيعي و اجتماعي استان كردستان در ارتباط با بزه‏كاري» بيان مي‏كند كه مطالعه بزه‏كاري بدون توجه به تأثير عوامل محيط طبيعي و جغرافيايي ناكافي بوده و از نظر تأثير محيط طبيعي و جغرافيايي بر بزه‏كاري، اثر آب و هوا بيشتر از ساير جنبه‏ها نمايان‏تر است. 7

بر اساس گزارش كانون اصلاح و تربيت سازمان زندان مشهد، كه در سال 1361 منتشر گرديد، 62 درصد افراد موجود در كانون، والدينشان با يكديگر ناسازگاري داشته‏اند. اين امر بيانگر ارتباط نادرست خانوادگي است كه مي‏تواند منجر به بزه‏كاري در نوجوانان گردد. 8

در سال 1369 اداره كل امر به معروف و نهي از منكر كميته انقلاب اسلامي، طي تحقيقي با عنوان «بررسي علل و انگيزه‏هاي بزه‏كاري اطفال و نوجوانان شهر تهران»، عواملي همچون سطح تحصيلات، خانواده، مهاجرت، محل سكونت، اقتصاد و خانواده را در گرايش به بزه‏كاري مؤثر دانسته و بر اساس نتايج تحقيق موصوف، پيشنهاد مي‏نمايد كه براي پيش‏گيري از بزه‏كاري نوجوانان، بايد يك تلاش همه‏گير و گسترده صورت پذيرد. 9

در سال 1376 طي تحقيقي كه در شهرستان محلات انجام گرفته، چنين نتيجه‏گيري شده است كه بين بزه‏كاري نوجوانان و جوانان و نامناسب بودن وضعيت خانوادگي، وضعيت اقتصادي، سابقه تحصيلي، وضعيت شغلي و نيز نامناسب بودن وضعيت اعتقادي رابطه وجود دارد. 10 طبق يافته‏هاي تحقيقي، 44 درصد بزهكاران جامعه ما در خانواده‏هاي لاابالي زندگي مي‏كنند. 11

حال، با عنايت به پيشينه بحث، نگاهي به علل و عوامل و زمينه‏هاي پيدايش بزه‏كاري در ميان نوجوانان و جوانان مي‏اندازيم:

علل و عوامل و زمينه ‏هاي بزه‏كاري نوجوانان و جوانان

به دليل آنكه بزه‏كاري نوجوانان و جوانان يك آسيب بزرگ اجتماعي محسوب مي‏شود، عوامل مؤثر در آن بسيار متنوع هستند. به قول اتوكلاين برگ (A. Klineberg): هيچ علتي به تنهايي براي رفتار پيچيده و متنوعي مثل بزه‏كاري جوانان كافي نيست. 12 از اين‏رو، عوامل به وجودآورنده بزه‏كاري قشر جوان، به قدري گوناگون و متنوع هستند كه برشمردن همه آنها، اگر غيرممكن نباشد، امري بسيار دشوار مي‏نمايد. با اين همه، اين مشكل مانع از آن نيست كه در مطالعه و بررسي عوامل بتوان به وجود بعضي از آنان، كه نقش مؤثرتري در بروز بزه معيني دارند، پي برد و كيفيت و كميت تأثير هر يك از عوامل گوناگون آن را موردبررسي‏وتجزيه‏وتحليل‏قرارداد.

مطالعات علمي انجام شده درباره عللي كه موجب پيدايش بزه‏كاري مي‏شوند، نشان مي‏دهد كه بزه‏كاري نتيجه ويژگي‏هاي شخصي و اجتماعي بزهكار يا شرايط محيطي است كه او در آن واقع شده است. با اين حال، تشخيص ميزان تأثير عوامل مختلف در به وجود آوردن بزه‏كاري مشكل است؛ زيرا در حقيقت تمامي عوامل دروني و بيروني پيدايش بزه‏كاري مثل رشته‏هاي زنجير به هم پيوسته، هر يك مقدّمه ديگري است، اين عوامل به اندازه‏اي متنوع و فراوانند كه به طور دقيق نمي‏توان گفت كدام يك از آنها بيش از ساير عوامل در وقوع بزه‏كاري مؤثر بوده است. از سوي ديگر، نحوه تأثير هر يك از عوامل به درستي مشخص نيست. به همين دليل، از نظر كارشناسان مربوط، هيچ‏گاه يك عامل معين وجود ندارد كه هميشه و به طور مطلق موجب كشاندن فرد به سوي بزه‏كاري گردد.

در ادامه اين بحث به منظور سهولت مطالعه، عواملي را كه در پيدايش بزه‏كاري مؤثرند، به پنج دسته طبقه‏بندي و به شرح ذيل مورد بحث قرار مي‏دهيم.

الف. نقش خانواده در پيدايش بزه‏كاري

هر تحقيق عمده‏اي در زمينه بزه‏كاري، رابطه نزديكي را ميان بي‏ثباتي شرايط زندگي و محيط خانوادگي نوجوانان و جوانان، با بزه‏كاري نشان داده است. تحقيقات و شواهد زيادي گوياي اين واقعيت است كه در پس بسياري از بزه‏كاري نوجوانان و جوانان، كانون خانوادگي ناسالم و متلاشي شده‏اي پنهان است. 13

بر اساس نتايج پژوهش، 47 نفر از جامعه آماري به نحوي از انحا، از جمله عوامل كليدي و مهم بزه‏كاري خويش را والدين، خانواده، بي‏توجهي، بي‏مبالاتي و عدم نظارت آنان دانسته‏اند. به عبارت ديگر، از نظر آنان والدين ايشان در بزه‏كاري‏شان نقش داشته‏اند. 14

شكي نيست كه خانواده اولين پايه‏گذار شخصيت هر فرد است كه نقش مهمي در تعيين سرنوشت و زندگي آينده او دارد و اخلاق و سلامت رواني فرد تا حدود بسيار زياد در گرو آن است؛ چراكه فرد پس از متولد شدن تحت تأثير افكار، عقايد و رفتار اعضاي خانواده خود قرار مي‏گيرد. از اين‏رو، خانواده اولين عاملي است كه در رفتار فرزند تأثير مي‏گذارد. به طور كلي، طرز تفكر والدين يا ساير اعضاي خانواده به هر شكلي كه باشد كم و بيش در فرزندان آنان تأثير مي‏گذارد.

آنچه در اينجا بيشتر مورد توجه است، آثار سوء كاستي‏ها و كمبودهاي خانوادگي است كه متوجه ساير اعضاي خانواده نيز مي‏شود. در اثر همين كاستي‏ها است كه فرزندان تحت شرايط خاص در معرض فساد و تباهي قرار مي‏گيرند و به تدريج به سوي بزه‏كاري سوق داده مي‏شوند.

در درون خانواده نيز در مقايسه با ساير اعضا، مادران بيشترين و مؤثرترين نقش را در صلاح و فساد فرزندان بر عهده دارند؛ چراكه زمينه‏هاي تربيت طفل قبل از تولد و از دوران جنين شروع مي‏شود. در اين زمينه از پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله نقل شده است كه فرمودند:

«السعيد من سعد في بطن امه والشقي من شقي في بطن امه»؛15 سعادت و شقاوت هر كس از زماني شروع مي‏شود كه در رحم مادر زندگي مي‏كند.

از سوي ديگر، مادر در آغاز عهده‏دار رفع نيازمندي‏هاي كودك است، هر نوع تغذيه او، رفتار خوب و ناشايست وي در فرزند تأثير بسزايي دارد. كودك نيز از همان ابتدا با حس تقليدپذيري قوي كه دارد، حركات و رفتار اطرافيان در ضميرش حك مي‏شود و به تدريج، شخصيت او كامل مي‏شود. به همين دليل، امام خميني قدس‏سرهدر خصوص ميزان نفوذ و تأثير تربيتي مادران در شخصيت كودكان فرموده‏اند:

سعادت بچه‏ها از دامن مادر شروع مي‏شود، آن قدري كه اخلاق مادر در بچه كوچك نورس تأثير دارد و به او منتقل مي‏شود، از ديگران عملي نيست، مادرها مبدأ خيرات هستند و اگر خداي ناخواسته مادراني باشند كه بچه‏ها را بد تربيت كنند، مبدأ شرورند.16

تأثير خانواده در بزه‏كاري فقط مربوط به دوران طفوليت نيست، در نوجواني و حتي جواني نيز كاستي‏ها و كمبودها و خلأهاي تربيتي تأثير خود را گذاشته و خود را نمايان مي‏سازد. با توجه به اهميت نقش خانواده در بزه‏كاري افراد و در دوران مختلف رشد، به برخي از مسائل خانوادگي كه مي‏تواند نوجوانان و جوانان را تحت تأثير قرار داده و آنان را به سوي بزه‏كاري سوق دهد اشاره مي‏گردد:

1. اختلاف پدر و مادر

از جمله مواردي كه ممكن است در نهايت منجر به بزه‏كاري نوجوانان و جوانان گردد، اختلاف والدين و مشاجرات و اصطكاك بين آنان است كه آثار آن متوجه ساير اعضاي خانواده و حتي بستگان آنان خواهد شد. گاهي اوقات، مشكلات خانواده‏ها موجب قهر و حتي ترك يكي از والدين از محيط خانواده مي‏شود. بديهي است اين‏گونه معضلات خانوادگي، موجب مختل شدن امنيت و بهداشت رواني فرزندان شده، تأثير مستقيم و نامطلوبي بر آنان مي‏گذارد. اگر فرزندان در محيط خانه خود طعم آرامش، صفا و صميميت را، كه از نيازهاي اوليه است، نچشند در خارج از خانه به دنبال گم‏شده خود خواهند گشت و به احتمال زياد در دام شيادان و افراد فاسد افتاده و به سوي بزه‏كاري سوق داده مي‏شوند.

به هر حال، ناسازگاري و مشاجره پدر و مادر آثار نامطلوب و شومي بر روان اعضاي خانواده مي‏گذارد. گاهي اوقات، فرزندان به علت بر هم خوردن آرامش رواني، نسبت به تحصيل يا كار بي‏علاقه شده، و حتي از منزل فرار مي‏كنند و سرانجام، زمينه گرايش آنان به انواع بزه‏كاري‏ها فراهم مي‏شود.

در پژوهشي كه از 800 فرد بزهكار به عمل آمده، معلوم شد كه 65 درصد مادرانشان طلاق گرفته و يا در حال جدايي بوده‏اند. بررسي ديگر نشان مي‏دهد كه 88 درصد افراد مجرم داراي پدر و مادري بوده‏اند كه از هم جدا زندگي كرده و بين آنها اختلاف نظر و ستيزه وجود داشته است. 17 از اين‏رو، مي‏توان گفت: اختلاف والدين، بستر و زمينه مناسبي براي انحراف نوجوانان و جوانان مي‏باشد.

2. تبعيض ميان فرزندان

تبعيض در خانواده و توجه بيشتر والدين به برخي فرزندان و توجه كمتر نسبت به برخي ديگر، موجب ايجاد حس نفرت و بدبيني در فرزندان مي‏شود. در اين ارتباط، ويتريج گروبرگ ولف (Witreig groberg wolf) عقيده دارد: هم‏چشمي و رقابت موجود در خانواده، تأثير مخرّب فراواني در روحيه كودكان به جا مي‏گذارد و موجب مي‏شود كودك خود را با برادران و خواهران ديگر مقايسه كرده و بر اثر محبت بيشتر والدين در حق آنان احساس كهتري نمايد. 18

تبعيض در خانه با روحيه حساس و عزّت نفس فرزندان منافات دارد و خسارات جبران‏ناپذيري را بر روح و روان آنان وارد مي‏كند و با ايجاد بحران‏هاي روحي و سرخوردگي، آنان را به سوي عكس‏العمل‏هاي منفي نظير سرقت، اعتياد و فرار از خانه سوق مي‏دهد. 19 بنابراين، ايجاد تبعيض ميان فرزندان مي‏تواند زمينه گرايش آنان به بزه‏كاري باشد.

3. كمبود محبت

نياز به محبت از نيازهاي اوليه و اساسي هر انساني، به ويژه كودكان است. كودك همان‏گونه كه براي رشد جسماني خود به انواع مواد خوراكي نياز دارد، به همان ترتيب نيز براي رشد عاطفي و اجتماعي شدن و جامعه‏پذيري نيازمند محبت است.

كودكان بيش از غذاي خوب، لباس گرم، اسباب بازي و هواي آزاد، نيازمند پذيرش از سوي والدين، و محبت از سوي آنان مي‏باشند. كمبود محبت، يكي از عوامل بسيار قوي است كه نوجوانان و جوانان را به سمت‏وسوي بزه‏كاري سوق مي‏دهد. نوجواني كه محبت كافي از پدر و مادر دريافت نكرده، براي پذيرش انواع اختلالات رفتاري و انحرافات اخلاقي آمادگي دارد. محبتي كه فرزندان در خانواده دريافت مي‏كنند، موجب آرامش رواني آنان مي‏شود و همين آرامش رواني، آنان را از تمايل به بسياري از لغزش‏هاي اخلاقي باز مي‏دارد. دختر نوجواني كه كمبود محبت دارد، به هر كس كه سر راه او قرار گيرد و به او اظهار محبت كند، علاقه‏مند مي‏شود و به دوستي‏هاي ويرانگرش تن مي‏دهد و چه بسا در اين مسير تباه شود. البته، نوع محبت بسته به سن و سال فرزندان متفاوت است، ولي به هر حال، بايد دل‏هاي فرزندان با فروغ محبت و نوازش والدين روشن گردد و نياز فطري آنان به محبت از اين راه ارضا شود. 20

بسياري از صاحب‏نظران در مسئله بزه‏كاري، كمبود محبت و ضعف عاطفي را ريشه اصلي جرم و انحراف مي‏دانند. تحقيقي در اين زمينه نشان مي‏دهد كه 91 درصد مجرمان در ارتباط با جرم به نحوي دچار مشكل عاطفي بوده‏اند. 21 از اين‏رو، بايد گفت كه كمبود محبت زمينه‏ساز پيدايش نارسايي‏هاي تربيتي در بزرگ‏سالي است.

4. عدم حضور پدر در خانه

به دليل آنكه پدر نقش مهمي در تكامل شخصيت فرزند دارد، از اين‏رو، حضورش در خانه اثر زيادي بر روحيه او مي‏گذارد كه عواقب آن معمولاً در دوران بلوغ و نوجواني مشخص مي‏شود. خانواده همان قدر كه به احساسات و عواطف سرشار مادر محتاج است، به قدرت، قاطعيت، تدبير و مديريت پدر هم نياز دارد، حال اگر به هر دليل پدر در خانه حضور نداشته باشد و يا صرفا حضور فيزيكي داشته باشد، شيرازه امور از هم پاشيده و نظم و انسجام لازم از ميان مي‏رود و در اعضاي خانواده زمينه گرايش به بزه‏كاري فراهم مي‏شود.

5. دوستان ناباب

اصولاً پس از خانه و مدرسه، دوستان و نقش آنان در تأثيرگذاري بر شخصيت افراد و انحراف يا هدايت آنان بسيار چشمگير است. پيامبر اكرم صلي‏الله‏عليه‏و‏آله مي‏فرمايند:

«المرء علي دين اخيه»؛22 هر انساني بر شيوه و طريقه دوست و رفيق خود زندگي مي‏كند.

امام صادق عليه‏السلام مي‏فرمايند:

«لاتصحبوا اهل البدع ولا تجالسوهم فتصيروا عند الناس كواحد منهم»؛23 با افراد منحرف، همنشيني با آنان موجب مي‏شود كه مردم شما را يكي از آنان به شمار آورند.

در بسياري از خانواده‏ها، والدين چندان در فكر مراقبت از فرزندان خود نيستند و به محض اينكه كودكان اين قبيل خانواده‏ها به راه مي‏افتند، به حال خود رها مي‏شوند و ديگر مراقبتي از افرادي كه با فرزندانشان معاشرت مي‏كنند، به عمل نمي‏آورند. اين رهايي ممكن است موجب تماس مستمر آنان با اشخاص بيگانه و ناباب شود. اين در حالي است كه همسالان و معاشران نوجوانان و جوانان از عوامل مؤثر در يادگيري و تلقين آنان هستند و خود بزهكاران نوجوان و جوان عمدتا دوستان ناباب را از عوامل مؤثر بر گرايش به بزه‏كاري معرفي مي‏كنند. قبول اين واقعيت، توجه بيشتر والدين را در كنترل و نظارت معاشران نوجوانان و جوانان مي‏طلبد. در يك پژوهش 50 درصد بزهكاران اظهار كرده‏اند كه دوستان ايشان توسط پليس دستگير شده‏اند و نيز حدود 47 درصد از آنان، تيپ دوستانشان نوعا افراد خلاف‏كار بوده‏اند. 5/87 درصد از آنان نيز اظهار كرده‏اند كه دوستان ناباب نقش زيادي در سارق شدن افراد دارند و 53 درصد از همين افراد اظهار كرده‏اند كه به خاطر توجه دوستانشان دست به سرقت زده‏اند. 24

به دليل آنكه در دوره بلوغ، نوجوانان به طور طبيعي از اتكاي خود به خانواده كاسته و درصدد پيدا كردن تكيه‏گاه‏هاي ديگري هستند كه مهم‏ترين آن، گروه‏هاي همسالان مي‏باشد، از اين‏رو، نظارت و كنترل غيرمستقيم و نامحسوس بر نوجوانان بايد در دوره بلوغ بيشتر از هر زمان ديگري باشد.

يك جوان اغلب تحت تأثير اعمال، رفتار و افكار دوستان خود قرار دارد، به گونه‏اي كه خواسته‏هاي آنان را بسيار زود مي‏پذيرد و بدون مقاومت به توقعات آنان پاسخ مي‏دهد. در همين دوستي‏ها و معاشرت‏هاي نادرست با دوستان ناباب است كه نوجوان يا جوان براي اولين بار به خواهش دوست خود در انجام بزه، جواب مثبت مي‏دهد. 25

ساترلند در نظريه انتقال فرهنگي كج‏روي، بر اين نكته مهم تأكيد مي‏كند كه رفتار انحرافي، همانند ساير رفتارهاي اجتماعي، از طريق معاشرت با ديگران، يعني منحرفان و دوستان ناباب آموخته مي‏شود. افراد در ارتباط با دوستان ناباب و هنجارشكن، به سمت‏وسوي ناهمنوايي سوق داده مي‏شوند. 26

6. بزه‏كاري يكي از اعضاي خانواده

بزهكار بودن پدر و مادر، يا يكي از اعضاي خانواده و انحرافات اجتماعي آنان، مي‏تواند در گرايش به بزه‏كاري فرزندان مؤثر باشد. به عنوان مثال، خانواده‏اي كه بر اثر اعتياد به الكل يا مواد مخدر به فساد كشانيده شده، نه تنها نمي‏تواند كودكان سالمي تربيت كند، بلكه رفتار و ويژگي‏هاي آنان مي‏تواند الگويي براي كشاندن فرزندان به سوي انحرافات گوناگون باشد. كودكان نگرش‏هاي اجتماعي را از خانواده مي‏آموزند و چنان‏كه يكي از والدين بزهكار باشند فرزندان آنان بيش از هر كس در معرض خطر آلودگي قرار خواهند گرفت. مادري كه به مسائل شرعي و اخلاقي تقيّد چنداني ندارد و معاشرت‏هاي گناه آلودي دارد، موجب مي‏شود تا قبح اعمال خلاف عفت نزد فرزندان از بين رفته، و در صورت به وجود آمدن شرايط مناسب، انجام و تكرار اعمال قبيح، شديدتر و آسان‏تر به وسيله فرزندان صورت پذيرد.

نتايج تحقيقات نشان مي‏دهند كه بسياري از معتادان در خانواده افراد معتاد، از قبيل پدر، مادر، پدر بزرگ و غيره بوده‏اند. 27

7. نداشتن الگوي رفتاري مناسب

عدم بهره‏مندي از الگوي رفتاري مناسب براي نوجوانان و جوانان، مي‏تواند در گرايش به بزه‏كاري آنان مؤثر باشد. در خانواده، والدين الگويي شايسته براي كودكان و نوجوانان بوده و آنان سعي مي‏كنند اعمال و كردار خويش را با اعمال و كردار الگوهايشان مطابقت دهند و بدين ترتيب، اگر پدر يا مادر نتوانند نقش خود را به درستي ايفا كنند و الگوي صحيح و مناسبي براي فرزندان خود باشند، بي‏ترديد دشواري‏هاي فراواني براي فرزندانشان پيش خواهند آورد. از سوي ديگر، در محيط خارج از خانه نيز فرزندان، در مدرسه يا گروه همسالان، با افراد مختلفي در ارتباط هستند كه ممكن است براي آنان الگوي مناسب يا بعكس الگوي نامناسب باشند. اين الگوها، در شخصيت و رفتار آنان تأثير جدّي دارد. الگوهاي مناسب، رفتار آنان را بهنجار و چنين افرادي را جامعه‏پذير و الگوهاي نامناسب آنان را دچار انحراف رفتاري خواهد نمود.

8. عدم امكان ازدواج

بسياري از مفاسد اخلاقي، اجتماعي، ولاابالي‏گري‏هاي جنسي در جامعه، ناشي از عدم امكان ازدواج جوانان مي‏باشد. اين در حالي است كه در آثار و منابع اسلامي از ازدواج و پيوند زناشويي به عنوان يكي از عمده‏ترين عوامل بازدارنده فساد و فحشا نام برده شده و در مسئله 2443 توضيح المسائل امام خميني قدس‏سره نيز چنين آمده است: «كسي كه به واسطه نداشتن زن به حرام مي‏افتد، واجب است زن بگيرد.»

با وجود اين، سنّت‏ها و تشريفات بي‏مورد كه گريبان‏گير خانواده‏ها شده است، مانع ازدواج جوانان مي‏گردد و اين سنّت‏هاي غلط، در كنار بي‏كاري و مشكلات اقتصادي سن ازدواج را روزبه‏روز افزايش مي‏دهد و خانواده‏ها حاضر نيستند از درخواست مهريه سنگين، مخارج زياد عروسي، درخواست هتل، منزل شخصي، درآمد زياد و جهيزيه‏هاي فراوان چشم بپوشند. اگر به اين امر مهم توجه جدّي نشود، احتمال افزايش بزه‏كاري‏ها و از جمله بزه‏كاري‏هاي جنسي وجود دارد.

9. عدم درك فرزندان

خانواده‏هاي ايستا و خانواده‏هايي كه با زمان پيش نمي‏روند و انتظار دارند فرزندان آنان نيز با راه و رسم قديمي زندگي كنند و يا خانواده‏هايي كه سير قهقرايي را طي مي‏كنند، زمينه گرايش به بزه‏كاري را در فرزندان خود به وجود مي‏آورند. اين‏گونه خانواده‏ها به نيازهاي نوجوانان و جوانان و برآوردن خواسته‏هاي مشروع آنان توجهي نكرده و نمي‏توانند فرزندان خود را به درستي درك كنند و خواسته‏هاي آنان را تأمين كنند. اين امر موجبات ناسازگاري رواني فرزندان با جامعه را فراهم مي‏آورد. 28

ب) عوامل اقتصادي

از گذشته‏هاي دور فلاسفه و دانشمندان، تأثير فقر و اختلافات طبقاتي را در وقوع جرايم مورد توجه قرار داده‏اند و عمدتا در اين موضوع كه «عامل اقتصادي در بزه‏كاري مؤثر است» اتفاق نظر دارند و اگر اختلافاتي در برخي موارد به چشم مي‏خورد، ناشي از چگونگي تأثير جنبه‏هاي مختلف اين عامل است. در زمينه تأثير فقر در بزه‏كاري، افلاطون معتقد است:

فقر و ثروت سبب نابودي كشورها مي‏شود، فقر احساسات را از بين برده، حس كينه‏توزي، انتقام‏جويي و بدبيني را تشديد مي‏كند، كثرت ثروت نيز مباني اخلاقي را سست نموده، سبب تنبلي، بي‏قيدي، غرور و بي‏اعتنايي نسبت به ديگران مي‏گردد و كشور را به فنا و نابودي مي‏كشاند؛ زيرا تقواي واقعي و ثروت‏هاي هنگفت مانعه‏الجمع هستند.29

همچنين كارل ماركس، فيلسوف و اقتصاددان آلماني و پايه‏گذار مكتب «سوسياليسم»، سرمايه‏داري را منشأ بروز تمامي ناهنجاري‏هاي اجتماعي و وقوع بزه‏كاري مي‏داند و معتقد است، سرمايه‏داري موجب استثمارطلبي و جنگ مي‏شود و عدم تساوي در توزيع ثروت، افراد را به سمت انواع بزه‏كاري‏ها مي‏كشاند. وقوع جرايم در حقيقت، واكنش افراد عليه بي‏عدالتي اجتماعي است.

نظام سرمايه‏داري كه انسان را به سمت مادي‏گرايي سوق مي‏دهد، زياده‏طلبي و تجمّل‏گرايي را به وجود آورده و فاصله زيادي بين غني و فقير ايجاد مي‏كند كه بي‏عدالتي نتيجه آن است. احساس همبستگي ناشي از مادي‏گرايي و فردگرايي، از ويژگي‏هاي اين جوامع است و افراد قادر به هدايت درست ستيز عليه اين بي‏عدالتي اجتماعي نيستند. در نتيجه، ارزش‏هاي اجتماعي فاقد اعتماد مي‏شوند، نظارت اجتماعي سُست مي‏گردد و بزه‏كاري و تبه‏كاري عموميت پيدا مي‏كند. 30

بي‏شك، امروزه با توجه به تحقيقات بسياري در اين زمينه، مي‏توان گفت: ميان برخي از انواع كج‏روي‏ها و وضع اقتصادي افراد رابطه وجود دارد. فقرْ فرصت مساوي تحصيل و مطالعه، كار و رشد استعدادها را از خانواده‏هاي فقير مي‏گيرد و موجب اختلاف در سطح درآمد و فرهنگ مي‏شود و همين يكي از عوامل پريشاني خانواده‏ها و نيز «بزه» در ميان فرزندان است.

بحران اقتصادي، تورم، بي‏كاري و توزيع ناعادلانه ثروت و نواقص موجود در نهادهاي اقتصادي منجر به ناهنجاري‏هاي مختلف اجتماعي مي‏شود. بحران‏هاي اقتصادي در توزيع عادلانه ثروت به منزله مهم‏ترين عامل ايجاد كننده فقر و پيامدهاي ناشي از آن به شمار مي‏رود، بحران‏هاي اقتصادي دربرانگيختن نوجوانان و جوانان به سرقت و انحرافات ديگر تأثير قابل توجهي دارد. بحران‏هاي اقتصادي موجب كاهش درآمدها، فقر، بي‏كاري و نابساماني خانواده‏ها مي‏شود و خود انگيزه‏اي است كه افراد را به سوي جرايم و تخلف از مقرّرات اجتماعي مي‏راند، عدم امكان فراهم‏سازي وسايل تفريحات سالم و پر نمودن اوقات فراغت و ناتواني خانواده‏ها براي محافظت فرزندان از مفاسد موجود، در محيط‏هاي ناسالم و معاشرت با افراد ناباب، همگي به نوعي با فقر و تهي‏دستي خانواده‏ها ارتباط دارد. 31

در رويكرد ديني، همبستگي ميان فقر و انحرافات اجتماعي مورد تأييد است. بر اين اساس، فقر انگيزه روي‏آوري به كج‏روي را افزايش مي‏دهد. 32

بنابراين، عامل اقتصادي يكي از عوامل پيدايش انحرافات اجتماعي است و در بزه‏كاري افراد مؤثر است. ولي فقر و تهي‏دستي را نيز نمي‏توان تنها عامل آن دانست؛ چراكه اگر فقر با بزه‏كاري ملازمه داشته و تنها عامل آن باشد در اين صورت، بايد قبول كرد تمام افراد فقير بزهكارند. ولي واقعيت اين است كه چنين فرضي صحت ندارد و افراد زيادي وجود دارند كه در نهايت فقر زندگي مي‏كنند ولي مرتكب بزهي هم نمي‏شوند، در عين حال، برخي از خانواده‏هاي ثروتمند با پول كافي كه در اختيار دارند، براي خوش‏گذراني مرتكب جرايم مختلف مي‏شوند:

دادن پول فراوان به فرزندان و استفاده از تفريحات مختلف موجب عدم درك ارزش پول براي آنان خواهد شد. از سوي ديگر، عادت به تفريح و خوش‏گذراني ذوق كار و كوشش را از آنان سلب مي‏كند. در اين صورت، چنانچه آدم بي‏كار باشد و حرفه‏اي نداشته باشد، منحرف شده و براي تأمين اميال خود ناچار راه بزه‏كاري را در پيش خواهد گرفت.33

حاصل تحقيقات صورت گرفته نيز حكايت از تأثير قاطع بي‏كاري و فقر بر افزايش بزه‏كاري دارد. 34

به هر حال، عوامل اقتصادي يكي از علل مهم پيدايش بزه‏كاري نوجوانان و حتي جوانان محسوب مي‏شود. ولي گاهي اوقات در نقش اين عامل مبالغه مي‏شود، با اين حال، همان‏گونه كه در ابتداي اين بحث اشاره شد، نمي‏توان آن را تنها عامل بزه‏كاري دانست.

ج) فقدان تعليم و تربيت مناسب

از اوايل قرن نوزدهم اين اعتقاد در سطح جهان رواج پيدا كرد، كه براي جلوگيري از معضل بزه‏كاري بايد آموزش و پرورش عمومي را توسعه داد. تحت تأثير همين تفكر آموزش و پرورش عمومي گسترش زيادي پيدا كرد و حتي قوانين تعليمات اجباري در بسياري از كشورها به تصويب رسيد.

البته، امروزه اين نظريه را با گذشت قريب دو قرن خيلي هم نمي‏توان با تعصب پذيرفت؛ چون با وجود اينكه آموزش و پرورش توسعه پيدا كرده و اكثر افراد جوامع مختلف تحصيل كرده مي‏باشند و براي مبارزه با بي‏سوادي در كشورهاي در حال توسعه و توسعه يافته اقدامات مهم و مؤثري صورت گرفته، ولي از وقوع بزه‏كاري پيش‏گيري نكرده است و عمدتا نوع بزه‏كاري‏ها را متحول ساخته است و علت آن اين است كه منظور از آموزش و سوادآموزي جز وسيله چيز ديگري نيست. حال بسته به اين است كه، اين وسيله در اختيار چه كسي و براي چه منظوري مورد استفاده قرار گيرد.

به عبارت ديگر، از آموزش بدون پرورش نمي‏توان انتظار زيادي براي پيش‏گيري از بزه‏كاري داشت؛ چراكه آموزش وسيله است؛ اگر اين وسيله در اختيار كسي قرار گيرد كه بخواهد اميال و هدف‏هاي نامشروع خود را به نحو احسن انجام دهد، در اين صورت شعر سنايي كه مي‏گويد: «چو دزدي با چراغ آيد گزيده‏تر برد كالا»، مصداق پيدا خواهد نمود. 35

بعكس، اگر اين وسيله در اختيار فردي پرورش يافته، صالح و در جهت هدفي مشروع قرار گيرد، نتيجه‏اش همان است كه يك انسان كامل مي‏تواند داشته باشد. به دليل آنكه يكي از جهات حقيقي و اهداف مهم پرورش كسب هنجارهاي مورد قبول جامعه مي‏باشد، از اين‏رو، اگر آموزش توأم با پرورش واقعي باشد، مي‏تواند در جلوگيري از بزه‏كاري نقش مهمي ايفا نمايد. ولي به هر حال، مسلّم است كه آموزش و پرورش در بالا بردن سطح فكر و شعور افراد كاملاً مؤثر بوده و مي‏تواند در پيش‏گيري از بزه‏كاري‏ها نقش داشته باشد.

اما بايد توجه كرد كه اگر كليه عوامل مؤثر در بزه‏كاري نوجوانان و جوانان را در نظر بگيريم و نوجواني را فرض كنيم كه محيط خانوادگي او آن چنان آلوده باشد كه نتواند خود را از آثار بد آن دور كند و يا مشكلات گوناگون آن چنان او را احاطه كرده باشد كه خلاصي از آن دشوار باشد، در اين صورت، بعيد به نظر مي‏رسد كه تعليم و تربيت به تنهايي نقش قاطع و مهمي در جلوگيري از بزه‏كاري داشته باشد؛ زيرا مجموعه شرايطي كه او را احاطه نموده او را به راهي خواهد كشاند كه خواه و ناخواه در مسير درستي قرار نخواهد گرفت. در اين‏گونه موارد آموزش و پرورش عمدتا پيش از آنكه بتواند بزه‏كاري را كاهش دهد، موجب تغيير نوع جرايم ارتكابي مي‏گردد؛ بدين نحو كه اشخاص تحصيل كرده بسيار كمتر از اشخاص بي‏سواد مرتكب جرايم نظير ضرب و جرح و سرقت مي‏شوند، ولي در عوض، مرتكب جرايم فكري نظير كلاهبرداري، جعل، خيانت در امانت و جرايم سياسي مي‏شوند.

با وجود اين، هرچند تعليم و تربيت تاكنون نتوانسته است در حد انتظار در پيش‏گيري از بزه‏كاري نوجوانان و جوانان موفق باشد، ولي اين بدين معنا نيست كه در كاهش بزه‏كاري نوجوانان و جوانان بي‏تأثير است.

در ذيل، به سه مورد از مسائل آموزش و پرورش كه مي‏تواند منجر به بزه‏كاري نوجوانان و جوانان گردد، به اختصار اشاره مي‏گردد:

1. نقش معلم در بزه‏كاري

يكي از عوامل مؤثر در بزه‏كاري نوجوانان و جوانان معلم و نوع و نحوه ارتباط او با دانش آموزش است؛ چراكه معلم نقش مهمي در شكل‏گيري شخصيت دانش‏آموزان دارد: از يك‏سو، با روش تربيتي خاص در جهت تعليم و تربيت دانش‏آموزان اقدام مي‏كند و از سوي ديگر، به عنوان الگوي آنان مطرح مي‏باشد. يك معلم آگاه مي‏تواند يك جنايتكار بالقوّه را به يك انسان سالم تبديل كند. تجربه‏هاي دوران تحصيلي، به ويژه دوران دبستان و راهنمايي مي‏تواند كودك را به يك جنايتكار تبديل كند. ما وقتي راجع به فوايد درس خواندن بحث مي‏كنيم، حرف درستي مي‏زنيم، اما اگر همراه اين آموزش‏ها كاري كنيم كه كودك سلامت رواني خويش را از دست بدهد، كار مثبتي نكرده‏ايم، بلكه در مقايسه مي‏توان گفت: فرد كم سواد اما سالم بسيار بهتر از فرد با سواد اما بيمار است. برخي به حق مي‏گويند: يكي از شغل‏هاي شريف معلمي است؛ ولي بايد پذيرفت معلمي شريف‏ترين شغل است، اما اين عنوان به هر كسي كه كت و شلواري بپوشد و گچي به دست بگيرد اطلاق نمي‏شود، اين شرافت متعلق به معلمي است كه به رشد متعادل و همه‏جانبه كودكان كمك كند. اگر معلمي با رفتارهاي نادرست خويش تخم بزه‏كاري و جنايت را در دل كودكان بنشاند خود عامل اصلي جنايت است. 36

2. نقش محيط مدرسه در بزه‏كاري

امروزه بيشتر كارشناسان تربيتي، محيط، شرايط مدرسه و روش‏هاي مختلفت تربيتي را در سلامتي روان و رفتارهاي نابهنجار دانش‏آموزان مؤثر مي‏دانند. گاهي مدارس موقعيت‏هاي بسيار نامطلوبي براي دانش‏آموزان ايجاد مي‏كنند. در مدارس شلوغ، كه معلمان با تعداد زيادي دانش‏آموز سروكار دارند، فرصت كمي براي انجام وظايفشان در اختيار دارند و با اين فرصت كم نمي‏توانند عملاً به بسياري از مشكلات و نيازهاي دانش‏آموزان توجه كنند.

دانش‏آموزاني كه در مورد وضع تحصيلي، اجتماعي و يا شخص خودشان به كمك نياز دارند، اگر به آنان توجه نشود و اميد به كمك را هم از دست بدهند، ممكن است به شيوه‏هاي جبراني به رفتارهاي بزهكارانه روي آورند تا از اين راه، تا حدودي جلب توجه كرده، و احساس موفقيت نمايند. مدارس مي‏توانند ضمن اجراي بهينه برنامه‏هاي آموزشي و درسي و فعاليت‏هاي متنوع فوق برنامه، در رشد همه‏جانبه دانش‏آموزان اقدام نمايند. در غير اين صورت، مسئله بزه‏كاري نوجوانان و جوانان و بخصوص آناني كه وضعيت خانوادگي مناسبي ندارند، روز به روز حادّتر خواهد شد. 37

3. افت و شكست تحصيلي و بزه‏كاري

پژوهشگران دو عامل افت و شكست تحصيلي را نيز از عوامل مؤثر در گرايش نوجوانان و جوانان به سوي بزه‏كاري دانسته‏اند. البته، ميزان تأثير اين عوامل محدود بوده و آن‏گونه نيست كه صرف افت تحصيلي يا مردودي، دانش‏آموزان را به سوي بزه سوق دهد. سابقه اغلب بزهكاران نشان مي‏دهد كه ميزان موفقيتشان در دوران تحصيل عمدتا پايين بوده و يا مردودي داشته‏اند.

به هر حال، افت و شكست تحصيلي مي‏توانند زمينه ساز بزه‏كاري نوجوانان و جوانان محسوب شوند.

د) بي‏كاري و نارضايتي شغلي و بزه‏كاري

اشتغال و رضايت‏مندي شغلي افراد هر كشوري از جمله مؤلفه‏هاي مهمي است كه نشان مي‏دهد جامعه از حيث توسعه در چه وضعيتي قرار دارد و نمي‏توان تأثير اشتغال را در معضلات اجتماعي، به ويژه بزه‏كاري نوجوانان و جوانان ناديده گرفت. هم اينك درصد بالا و غيرقابل قبولي از جوانان كشورهاي مختلف و از جمله ايران بي‏كار مانده و برخي از آنان به شغل‏هاي كاذب روي مي‏آورند. بسياري از شاغلان نيز از شغلشان راضي نيستند. بدين‏ترتيب، در ادامه بحث تأثير دو معضل بي‏كاري و عدم رضايت شغلي بر بزه‏كاري نوجوانان و جوانان مورد بررسي قرار مي‏گيرد:

1. بي‏كاري

از جمله آسيب‏هاي اجتماعي، بي‏كاري است كه مي‏تواند عامل عمده‏اي در پيدايش نابساماني‏هاي رفتاري و رواني و در نتيجه، موجب بالا رفتن انواع انحرافات اجتماعي و بزه‏كاري شود.

اسلام جوانان را تشويق به كار و فعاليت مي‏كند. پيامبر گرامي صلي‏الله‏عليه‏و‏آلهوقتي جواني را مي‏ديد كه ظاهر آراسته‏اي داشت، از شغل او سؤال مي‏كردند. اگر مي‏گفتند كار نمي‏كند، مي‏فرمود: «سقط من عيني»؛ از چشم من افتاد. وقتي دليل آن را جويا مي‏شدند مي‏فرمود: «لان المؤمن اذ لم يكن له حرفة تعيش بدينه»؛ زيرا وقتي مؤمني كاري نداشته باشد، دين خود را وسيله گذراندن زندگي خويش قرار مي‏دهد. البته، اسلام بر متوليان امور فرض مي‏داند كه افراد را به كار مناسب بگمارند تا مبادا بي‏كاري و فقر، آنان را به انحراف بكشاند. 38

از عوامل محيطي جرم، مي‏توان فقر، بي‏كاري، تورم و شرايط بد اقتصادي را نام برد كه بر همه آحاد جامعه، اقشار، گروه‏ها و نهادها تأثير گذاشته و آنان را تحت تأثير قرار مي‏دهد. 39

2. نارضايتي شغلي

متأسفانه آنچه در جامعه فعلي ما در زمينه انتخاب شغل صورت مي‏گيرد، بيشتر انتخاب تصادفي و غيراختياري است. نتيجه اين انتخاب‏ها را مي‏توان در موقع احراز و اشتغال به كار ملاحظه كرد. وقتي انتخاب شغل درست صورت نپذيرد، انگيزش در فرد براي به دست آوردن مهارت بيشتر، بروز خلّاقيت و ابتكار ايجاد نمي‏شود و موجب مي‏شود كه فرد از شغلش راضي نباشد. انتخاب شغل به خاطر فشارهاي اقتصادي و اجتماعي منجر به خستگي و بي‏حوصلگي خواهد شد و كارايي فرد را پايين خواهد آورد و در نهايت، زمينه گرايش به انحراف و بزه‏كاري توسعه مي‏يابد. مشاغل افراد بزهكار، از نوع مشاغل سطح متوسط به پايين جامعه است. اين نوع مشاغل عموما پر زحمت و كم‏درآمد مي‏باشد. 40 اين‏گونه مشاغل، به دليل درآمد كم، فقر و بزه‏كاري را به دنبال دارد.

ه.) ضعف اعتقادات مذهبي و بزه‏كاري

هرچند عواملي كه تاكنون مطرح شدند، هر يك به سهم خود، در گرايش نوجوانان و جوانان به بزه‏كاري مؤثرند، ولي يكي از بزرگ‏ترين انگيزه‏هاي گرايش به بزه‏كاري، ضعف يا نبود معنويت و به عبارتي، ضعف ايمان و اعتقادات است كه در منابع اسلامي از اين عامل، به عنوان عمده‏ترين و اصلي‏ترين عامل گرايش به منكرات و انحرافات ياد شده و اعتقاد به قدرت الهي و ايمان كامل به پاداش و كيفر اعمال، قوي‏ترين و مؤثرترين سد و مانع در مقابل انحرافات تلقّي شده است.

اصولاً وقتي فكر انسان به اينجا ختم شد كه جهان بدون هدف است و پرونده انسان پس از مرگ بسته مي‏شود، طبعا به اين فكر مي‏افتد كه پس دم را بايد غنيمت شمرد و تا كي در فكر خوب و بد بودن و عمر را بيهوده تلف كردن؟! از سوي ديگر، نيروي ايمان و پرهيزگاري در روح مؤمن حالتي مقدس ايجاد مي‏كند و نفس اماره و احساسات سركش را رام و مطيع مي‏سازد. به عبارت ديگر، همچون حصن و حصاري محكم ساكنان خود را از گزند و آسيب تمامي انحرافات و بيماري روحي و مفاسد اخلاقي حفظ مي‏كند. 41

اينچنين است كه حضرت علي عليه‏السلام مي‏فرمايد:

«اعملو، عبادالله! ان التقوي دار حصن عزيز، والفجور دار حصن ذليل، لا يمنع أهله، ولا محرز من ألجأ اليه، ألا وبالتقوي تقطع حمة الخطايا»؛42 بندگان خدا! بدانيد كه تقوا حصار و بارويي بلند و غير قابل تسلط است و بي‏تقوايي و هرزگي حصار و بارويي پست كه مانع و حافظ ساكنان خود نيست و آن كس كه به آن پناه ببرد حفظ نمي‏كند، همانا با نيروي تقوا نيش گزنده خطايا بريده مي‏شود.

همچنين آن حضرت در خطبه 241 مي‏فرمايد:

«فان تقوي اللّه مفتاح سداد و ذخيره معاد و عتق من كل ملكه و نجاه من كل هالكه»؛43 همانا تقوا كليد درستي، توشه قيامت و آزادي از هر بندگي و نجات از هر تباهي است.

راه‏هاي پيش‏گيري از بزه‏كاري

با عنايت به آنچه گذشت، براي پيش‏گيري از بزه‏كاري نوجوانان و جوانان چند پيشنهاد مطرح مي‏شود:

1. به دليل آنكه فقر اقتصادي يكي از عوامل مهم بزه‏كاري نوجوانان و جوانان است، بايد همزمان با اجراي برنامه‏هاي توسعه كشور مراقب گروه‏ها و طبقاتي بود كه از حيث اقتصادي آسيب‏پذير هستند و ضمن پرداختن به سازندگي اقتصادي و برخوردار نمودن همگان از نعمات طبيعي، تأمين مسكن، رفاه و برقراري عدالت اجتماعي، در از بين بردن فقر اقتصادي، اقدام مؤثري صورت پذيرد و در كنار اقدامات زيربنايي، دولت موظف است كه از نوسان‏هاي بي‏دليل قيمت‏ها جلوگيري نمايد؛ زيرا براي طبقات پايين جامعه مخاطره‏انگيز است. اين مهم بايد در رأس برنامه‏هاي دولت قرار گيرد.

2. چون افزايش سطح دانش سواد و آگاهي نقش مؤثري در كاهش بزه‏كاري نوجوانان و جوانان دارد، از اين‏رو، ضروري است كه اولاً، نظام آموزشي جامعه بنا به اقتضاي زمان فعلي و دستاوردهاي جديد علوم رفتاري متحول شود. ثانيا، در گزينش معلمان و مديران مدارس دقت بيشتري مبذول گردد تا بتوانند محيط مدرسه را به صورت مكاني درآورند كه نوجوانان و جوانان در آنجا احساس ايمني و احترام كنند. ثالثا، مراكز مشاوره در تمامي مدارس با استفاده از نيروهاي متخصص، دلسوز و متعهد راه‏اندازي شوند. رابعا، مبارزه با معضل بي‏سوادي تا ريشه‏كن نمودن آن همچنان ادامه يابد.

3. با عنايت به نقش خانواده در افزايش و يا كاهش بزه‏كاري نوجوانان و جوانان، لازم است رسانه‏هاي گروهي با استفاده از كارشناسان مربوط در ارتقاي آگاهي، سطح فكر و فرهنگ خانواده‏ها اقدام نمايند و در ارتباط با عواقب بد برخي مسائل خانوادگي از قبيل اختلافات خانوادگي، پرجمعيت بودن خانواده، تبعيض قايل شدن بين فرزندان، كمبود محبت به فرزندان، عدم حضور هر يك از والدين در خانه، كنترل دوست‏يابي فرزندان، اعتياد و سابقه دستگيري هر يك از اعضاي خانواده و اقوام نزديك، نداشتن الگوي رفتاري فرزندان، رفتن به مجالس نامناسب، تحقير كردن فرزندان و سنّت‏هاي غلط موجود در ارتباط با ازدواج فرزندان، آموزش‏هاي لازم را به خانواده‏ها ارائه دهند و در اين زمينه، كانون‏هاي مشاوره خانواده نيز با استفاده از كارشناسان و صاحب‏نظران فعالت‏تر شوند.

4. با توجه به نقش فرايض مذهبي در كاهش بزه‏كاري نوجوانان و جوانان، بر علماي مذهبي است كه ارزش‏هاي مذهبي را با توجه به نيازهاي نسل جوان به گونه‏اي جذاب براي آنان طرح نمايند و بدين‏سان، شبهات آنان را پاسخ دهند.

5. به دليل آنكه وضعيت اشتغال، نوع شغل و بي‏كاري نوجوانان و جوانان در بزه‏كاري آنان مؤثر است، از اين‏رو، بايستي روند اشتغال‏زايي براي نوجوانان و جوانان را بيش از پيش مورد توجه قرار داد و مشكل بيكاري آنان را حل نمود و با تأسيس و فعال نمودن مراكز راهنمايي شغلي، در انتخاب مشاغل مناسب، هماهنگ با علاقه، استعداد، نيازها و ويژگي‏هاي افراد مختلف اقدام نمود و نيز با تغيير در ساختار برخي ادارات، تحول قوانين آنها و استفاده از شيوه‏هاي مديريت علمي و عاطفي براي اداره امور سازمان‏هاي دولتي و خصوصي در ايجاد رضايتمندي شغلي كاركنان سازمان‏ها مشاركت بيشتري مبذول كرد.

7. با توجه به نقش پركردن اوقات فراغت در بزه‏كاري نوجوانان و جوانان، بايستي امكانات لازم براي پركردن اوقات فراغت آنان فراهم شود و دولت براي خانواده‏هايي كه به لحاظ فقر مالي، امكان پر نمودن بهينه اوقات فراغت فرزندان خويش را ندارند به طرق مختلف، از جمله اختصاص يارانه، مساعدت لازم را مبذول دارد.

نتيجه‏ گيري

با عنايت به آنچه گذشت، مي‏توان گفت: عوامل ظهور و بروز بزه‏كاري در نوجوانان و جوانان امروز در جامعه در درجه اول، مربوط به خانواده است كه در اين زمينه بايستي از طريق بالا بردن فرهنگ عمومي جامعه، اطلاعات لازم را در تشكيل و استمرار خانواده بر اساس مهر و محبت به نسل‏هاي جديد آموزش داد.

از عوامل ديگر بزه‏كاري، عدم تربيت صحيح مي‏باشد كه وظيفه متوليان تعليم و تربيت جامعه است تا شناخت كافي نسبت به پذيرش و كسب هنجارهاي اجتماعي به افراد ارائه نمايد. دولت مي‏تواند در تمام زمينه‏ها، از جمله استقلال اقتصادي افراد و ايجاد اشتغال، نقش اساسي ايفا نمايد كه عامل مهمي در پيشگيري از بزه‏كاري است. در ضمن، علماي ديني هم نقش بسيار مهمي در تقويت ايمان، تهذيب و تزكيه نفس، كه عامل بسيار مهم روحي و رواني در پيش‏گيري از بزه‏كاري مي‏باشد، خواهند داشت.

صاحب‏نظران علوم تربيتي، جامعه‏شناسنان، روان‏شناسان بر اين عقيده‏اند كه علاوه بر نقش خانواده، دوستان، مدرسه، اعتقادات و مانند اينها در بروز بزه‏كاري در نوجوانان و جوانان تغيير در خصوصيات جسماني و رواني كه در حين بلوغ رخ مي‏دهد نقش مهمي در تغييرات خلق و خوي افراد به وجود مي‏آورد كه عواملي از جمله هيجاني بودن، احساساتي عمل كردن، عدم توجه به عاقبت عمل، با توجه به شرايط جسماني زمينه را براي بروز رفتارهاي نابهنجار به وجود مي‏آورد، از اين‏رو، كنترل رفتار آنان از طريق خانواده، مدرسه، جامعه، نهادهاي مذهبي و... بايد صورت پذيرد و شناخت كافي و اطلاعات لازم جهت پيش‏گيري از بروز بزه‏كاري از راه‏هاي گوناگون، از جمله رسانه‏هاي جمعي به نوجوانان و جوانان و خانواده‏ها ارائه گردد.

پى نوشت ها

1 . كارشناس ارشد علوم تربيتى ـ عضو هيأت علمى دانشگاه آزاد اسلامى قم.

2 ـ محمّدحسين فرجاد، آسيب‏شناسى اجتماعى و جامعه‏شناسى انحرافات تهران، بدر، 1371، ص 169.

3 ـ حسن احدى و نيكچهر محسنى، روان‏شناسى رشد نوجوانى و جوانى تهران، بنياد، 1372، ص 203.

4 ـ همان، ص 203.

5 ـ سيداحمد احمدى، روان‏شناسى نوجوانان و جوانان اصفهان، مشعل، 1374، ص 152.

6 ـ همان، ص 153.

7 ـ همان.

8 ـ سيداحمد احمدى، پيشين، ص 144.

9 ـ اداره كل امر به معروف و نهى از منكر كميته سابق، «بررسى علل و انگيزه‏هاى بزه‏كارى اطفال و نوجوانان شهر تهران»، 1369، ص 173.

10 ـ محمّدرضا قره‏بگلو، بررسى علل گرايش به بزه‏كارى نوجوانان و جوانان شهرستان محلات، محلات، پايان‏نامه كارشناسى ارشد رشته علوم تربيتى، دانشگاه آزاد اسلامى اراك، 1376، ص 6.

11 ـ سعيد مدنى، خانواده و اعتياد تهران، آگاه، 1381، ص 185.

12 ـ ر.ك. اتوكلاين برگ، روان‏شناسى اجتماعى، ترجمه محمدعلى كاردان تهران، انديشه، 1368.

13 ـ شكوه نوابى‏نژاد، رفتارهاى بهنجار و نابهنجار كودكان و نوجوانان تهران، انجمن اوليا و مربيان، 1375، ص 19.

14 ـ على‏اصغر قربان حسينى، جرم‏شناسى و جرم‏يابى سرقت تهران، جهاد دانشگاهى، 1371، ص 31.

15 ـ احمد رزاقى، عوامل فساد و بدحجابى و شيوه‏هاى مقابله با آن تهران، سازمان تبليغات اسلامى، 1371، ص 22.

16 ـ همان، ص 25.

17 ـ هدايت‏اللّه ستوده، آسيب‏شناسى اجتماعى تهران، آواى نور، 1380، ص 41.

18 ـ حسن احدى و نيكچهر محسنى، پيشين، ص 187.

19 ـ اسماعيل اسفنديارى، «فقر و انحرافات»، كتاب زنان 15 بهار 1381، ص 65.

20 ـ هوشنگ شامبيانى، بزه‏كارى اطفال و نوجوانان تهران، ويشار، 1372، ص 196.

21 ـ نرگس عربيان، «اعتياد و راه‏هاى پيشگيرى از آن با تأكيد بر تربيت و خانواده»، حيات سبز 3 1382، ص 23.

22 ـ محمّدبن يعقوب كلينى، اصول كافى تهران، اسوه، 1379، چ چهارم، كتاب «الايمان و الكفر مجالسة اهل المعاضى»، ذيل حديث 3.

23 ـ همان، ح 3.

24 ـ محمّد فولادى، بررسى ميزان و عوامل اقتصادى ـ اجتماعى مرتبط با سرقت در ميان جوانان شهر قم قم، استاندارى قم، 1382، ص 167.

25 ـ جميله اورنگ، پژوهشى درباره اعتياد تهران، بنياد، 1366، ص 113.

26 ـ جعفر سخاوت، جامعه‏شناسى انحرافات اجتماعى تهران، دانشگاه پيام نور، 1376، ص 50.

27 ـ سعيد مدنى، پيشين، ص 187.

28 ـ غلامحسين قادرى، جوانان را دريابيد تهران، معصومى، 1376، ص 32.

29 ـ مهدى كى‏نيا، مبانى جرم‏شناسى تهران، دانشگاه تهران، 1370، ص 183.

30 ـ حسن احدى و نيكچهر محسنى، پيشين، ص 177.

31 ـ همان.

32 ـ اسماعيل اسفنديارى، پيشين، ص 47.

33 ـ على‏اكبر سياسى، روان‏شناسى جنايى تهران، ابن‏سينا، 1343، ص 88.

34 ـ على‏حسين نجفى ابرندآبادى، «بزه‏كارى و شرايط اقتصادى»، تحقيقات حقوقى 9 1370، ص 63.

35 ـ ديوان سنايى، قصايد، مدرّس رضوى، تهران، كتابخانه سنايى، 1362.

36 ـ هوشنگ شامبيانى، پيشين، ص 223.

37 ـ منوچهر محسنى، جامعه‏شناسى عمومى تهران، طهورى، 1375، ص 244.

38 ـ سيداحمد احمدى، پيشين، ص 243.

39 ـ هدايت‏اللّه ستوده، پيشين، ص 75.

40 ـ محمّد فولادى، پيشين، ص 174.

41 ـ احمد رزاقى، عوامل فساد و بدحجابى و شيوه‏هاى مقابله با آن تهران، سازمان تبليغات اسلامى، 1371، ص 132.

42 ـ نهج‏البلاغه، ترجمه سيدجعفر شهيدى تهران، علمى و فرهنگى، 1376، ص 157.

43 ـ همان، ص 263.